

میترا

الهم نور و روشنایی

کیش، هفت هزار ساله آریایی

(آیین میترائیسیم به زبان ساده)

کردآوری: محمدرضا حسامی

فهرست مطالب

1	مقدمه
2	تولد میترا
3	آغاز آفرینش
3	اصول کیش میترا
4	میترا و ورزش
4	میترا و زرتشت
4	شاعران ایرانی و میترایسم
4	طرح‌هایی از معابد مهری (مهرابه)
5	میترا و هاله نور
6	غسل تعمید در میترایسم
6	دعا- توبه- نذر- نماز
6	نشان صلیب- صلیب شکسته
7	میترا الهه محبت، الهه جنگ
8	شراب هوم
8	نان و شراب
9	رنگ قرمز، رنگ محبوب میترا
9	خون
10	حلقه
10	میله رو به بالا
10	یکشنبه
11	روز تولد مسیح در واقع روز تولد میترا است
11	نقش شکل‌های نجومی در آیین میترا
11	نماز
12	احترام به خورشید و ماه
12	خروس
12	پوشیدگی
12	مقامات مذهبی برای زن و مرد
13	مراسم عمومی و خصوصی
13	مراسم نقاب‌ها

13.....	میترا و شکل‌های فلکی
14.....	مغ
14.....	سلسله مراحل مذهبی مغان
14.....	بازگشت ناجی
14.....	در میترائیسم مرگ مقدس وجود ندارد
15.....	تعطیل کردن کار در آیین میترا گناه است
15.....	گنبد
15.....	بابا نوئل
15.....	نقش بر روی میچ دست
16.....	روزه گرفتن
16.....	مسیحیت و میترائیسم
16.....	میترا و اروپا
16.....	محیط زیست
17.....	معراج میترا
17.....	نام‌ها
17.....	عدد مقدس
17.....	ایرانیان و الهه‌ها
18.....	آخرین دوره میترائیسم در اروپا
18.....	نشستن در مهرابه (معبد میترائی)
18.....	هوم
19.....	خورشید خانم
19.....	تسییح
19.....	تأثیر ستارگان بر زندگی انسان‌ها
20.....	دست فلزی
20.....	نان و نمک
20.....	عیار
20.....	سلام دادن
21.....	تا سه نشه بازی نشه
21.....	سه شد
21.....	میترا و صوفی‌گری

22.....	دو دعای میتراپی
22.....	دشمن میترا
23.....	میترا نگهبان قوم آریا
23.....	چه سنت‌هایی از میترائیسم شروع شده‌اند
23.....	چرا روز سوم پس از مرگ مهم است
23.....	شب اول مرگ
23.....	سلاح‌های میترا
24.....	برادری
24.....	حل اختلافات
24.....	سروش
24.....	نقش‌های جنگی
25.....	دشمنان
25.....	دوزخ و جهان واپسین
25.....	سوگند
26.....	چهارشنبه سوری
26.....	گروه کُر (همسرایان)
26.....	چگونگی وارد شدن آیین مهری در مسیحیت
27.....	جگر
27.....	رنگ لباس
27.....	والنتاین و میترا
28.....	یونان
28.....	بوی خوش در مهرابه‌ها
28.....	رقص سماع
28.....	آتش
29.....	آلات موسیقی
29.....	میترا الهه نور و روشنایی
29.....	وظایف دیگری که به میترا نسبت می‌دهند
29.....	جشن مهرگان - مهرجان - میترا کانا
30.....	نماز
30.....	میترا نگهبان خانواده

30.....	دندان روی جگر گذاشتن
31.....	فره ایزدی
31.....	وقف
31.....	برادری
31.....	تکرار آفرینش
32.....	مهرابه
32.....	هفت سیاره مهر در آیین میترا
32.....	دوازده شکل فلکی (برج‌ها)
32.....	گیاهان مقدس در میترائیسم
32.....	معاد و رستاخیز
32.....	حیوانات مقدس
33.....	در چه کشورهایی، معابد مهری بیشتری وجود دارد
33.....	میترا و عرفان
33.....	یعقوب لیث
34.....	یار غار
34.....	سوگند خوردن
34.....	تقدیر
34.....	دوازده شکل فلکی و هفت ستاره
35.....	عطوفت میترا
35.....	شکل تخم‌مرغی کیهان
35.....	تفال، پیشگویی
35.....	تعداد درها در مهرابه‌ها
36.....	زمان قربانی کردن گاو
36.....	میترا و آب
36.....	مهرابه، خُرابه، خرابات
36.....	سنگ
37.....	درخت انجیر
37.....	دفن مردگان
37.....	چهارشنبه سوری
37.....	برای هفتاد و هشتم کافی است

38.....	نمک و سق نوزاد
38.....	نقاره‌خانه
38.....	چهل چراغ - چلچراغ
38.....	چراغ اول را روشن کن - سر چراغی
38.....	به این سوی چراغ
39.....	بزن روشن شی
39.....	مثل ماه شب چهارده
39.....	هفت سین
39.....	تیانا - تینا
39.....	مشعل المپیک
40.....	دستها رو به بالا در هنگام نیایش
40.....	روشن کردن مشعل المپیک با نور خورشید
40.....	در خرابات مغان نور خدا می‌بینیم
40.....	ناهید
41.....	مار
42.....	ماه
42.....	برجیس (مشتتری)
43.....	مهر و عیسی
43.....	عشای ربانی - شام آخر
43.....	کلاغ
44.....	مهر گیاه
44.....	عدد پنج
44.....	قربانی برّه
45.....	نوش - نوشابه - نوشخواره
45.....	هفت ستاره
46.....	وام بدون بهره - قرض الحسنه
46.....	میترا نماینده اندیشه نیک، گفتار نیک، کردار نیک
46.....	مهر نخستین ایزد سحرگاهی
47.....	میترائیسم و کلنگ زنی
47.....	میترا و درخت کاری

47.....	سلاح پهلوانان
47.....	القاب پهلوانی
48.....	دوندگی
48.....	چنار مقدس - تاک
48.....	بناهای یادبود مانند یادبود سرباز گمنام
48.....	یارانه - سوبسید
49.....	برادری
49.....	نقاشی روی دیوارهای معابد مهری
49.....	پهلوان
49.....	درخت سرو سمبل میترا - بز نم به تخته
50.....	(چراغ) نور بر سر قبور رفتگان
50.....	حاجی فیروز
51.....	قاشق زنی
51.....	نام روزهای هفته
51.....	نام حیوانات بر دوره‌های دوازده ساله سنت ایرانی است
52.....	درود میترائی - سلام میترائی
52.....	آئین شمع روشن کردن
52.....	میترائیسم و معماری
52.....	تزئین شب شب تولد میترا (شب یلدا)
53.....	زنگ - ناقوس
53.....	عمو نوروز - بابانوئل
53.....	سقاخانه
53.....	مهرابه - مهراب - محراب
54.....	زندگی و کار بزرگ
54.....	وکیل
54.....	گنبد طلائی
55.....	پیر مغان - پهلوان
55.....	مهره مهر (مهره مار)
55.....	گود زورخانه
56.....	یک رو

56.....	میترائیسم و هنر
56.....	مجسمه سازی
56.....	تئاتر
56.....	رقص
57.....	موسیقی
57.....	نور اُمید
57.....	تدفین مردگان
58.....	دوستگامی - دوستگامی
58.....	آجیل شب یلدا
58.....	جام هفت خط
58.....	مرغ بخت
59.....	رنگ سرخ
59.....	شب یلدا - شب چله
59.....	لباس مرد و زن در آئین میترا
59.....	شنای بانوان
59.....	میترائیسم
60.....	روحانیت میترائی و ورزش
60.....	نام ماه‌های ایرانی و مفاهیم آنها
61.....	مهر مقدس
62.....	نان مقدس
62.....	هفت مرحله میترائی و هفت آسمان
62.....	قربانی
62.....	مآخذ

آیین میترائیسم به زبان ساده

مقدمه

هر چند تاریخ آغاز این میترا معلوم نیست و عده‌ای آن را تا هفت هزار و پانصد سال به عقب برده‌اند برخی دیگر آن را آیین چهار هزار ساله می‌دانند. آنچه آشکار است ایرانی بودن این دین می‌باشد. این آیین سراسر ایران را پوشاند و سپس به هند و چین رفت و در اروپا هم تا قرن چهارم میلادی مورد توجه و احترام بود.

در اروپا معابد میترا هنوز هم وجود دارد و به عنوان آثار باستانی مورد توجه است. همچنان که ادیانی که بعد آمده‌اند معابد دین قبلی را با تغییراتی به عنوان معبد دین خود مورد استفاده قرار داده و اسم جدیدی بر آن گذاشته‌اند، بسیاری از معابد میترا به کلیسا تبدیل شده‌اند. در ایران میترا و مهر را یکی دانسته‌اند هر چند تعدادی از اهل علم، آنها را دو می‌دانند و قائل به همذات پنداری آنها نیستند. چه اینکه مهر خورشید است و میترا نور و روشنایی است. در واقع ادیان پیروز می‌توانند آثار ساختمانی دین قبلی را نابود یا تبدیل کنند ولی اثر فرهنگی آنها همچنان باقی می‌ماند یا در دین جدید با نام و شاید تغییر ظاهری وارد می‌شود. اروپایی‌های مسیحی اتهام‌های زیادی به آیین میترا وارد کرده و آن را دین ثروتمندان یا پرستندگان خورشید معرفی می‌کردند ولی در بخش‌های بعد خواهیم گفت که چقدر تأثیر از این دین شرقی گرفتند.

تولد میترا

میترا در شب یلدا متولد می‌شود یعنی در بلندترین شب سال و از آن شب به بعد، هر روز یک دقیقه از تاریکی کم می‌شود و به روز اضافه می‌شود. وقتی بدانیم که در ایران باستان، تاریکی سمبل اهریمن و روشنی نشانگر پاکی و خدایی است پیام واضح‌تری دریافت می‌کنیم یعنی با تولد میترا، اهریمن عقب‌نشینی می‌کند و خوبی و نور که از صفات خدایی است گسترده و فراگیرتر می‌شود.

تاریخ تولد میترا به عنوان 25 دسامبر را روز تولد مسیح گرفتند یعنی توافق کردند که این تاریخ باشد و از تعدد تاریخ‌های تولد برای مسیح جلوگیری شود هرچند هنوز برخی فرقه‌های مسیحی چند روز بعد را روز زایش حضرت مسیح می‌دانند. یکی از دلایل یکی گرفتن تولد میترا و مسیح را این دانستند که میترا فرزند خورشید و مسیح هم خورشید تازه است. در تصاویر میترا، چون او فرزند خورشید است دور سر او را یک هاله نور ترسیم می‌کنند که بعدها همین کار را برای مسیح انجام دادند.

تولد میترا به این صورت است که خداوند به خورشید فرمان می‌دهد که به صخره‌ای در ابتدای یک غار بتابد (برخی تابش خورشید را به گل نیلوفر می‌دانند) بر اثر این تابش، میترا به دنیا می‌آید. گل نیلوفر در ایران باستان محترم بوده و می‌تواند احترام آن از تولد میترا آمده باشد. دیگر اینکه بعضی آناهیتا (الهه آریایی آب و باروری را مادر میترا می‌دانند).

آغاز آفرینش

میترا به دستور خداوند آفریده می‌شود و به دستور خدا به بیرون غار می‌رود که موجودی را بنا به فرمان ذبح کند. میترا گاو را در چراگاه می‌یابد ولی باز می‌گردد به غار و به خداوند می‌گوید مرا از این مأموریت معاف دار زیرا من نمی‌توانم موجودی را ذبح کنم، دستور می‌رسد آنچه به تو فرمان رسیده را عمل کن که باعث شروع حیات می‌شود. میترا دوباره عازم می‌شود ولی این بار گاو را نمی‌یابد. موجودی به شکل کلاغ که رساننده پیام الهی نیز هست او را از بالا راهنمایی می‌کند و مخلوقی به شمایل سگ از زمین وی را هدایت می‌کند تا به گاو می‌رسد و هنگامی که گاو ذبح می‌شود از خون بر زمین ریخته، گیاهان رویدند و از گوشت، جانوران به وجود آمدند. در تمام تصاویر نقاشی و مجسمه‌ای، میترا در حال ذبح گاو نشان داده شده که در واقع آغاز خلقت موجودات است. کلاغ و سگ دو حیوان مورد احترام در آیین میترا است که اولی پیام‌رسان و دومی جهت‌یاب می‌باشد. گاو نیز موجب شروع آفرینش است. آورده‌اند که از نخاع گاو گندم روئید و از خون آن، انگور به وجود آمد.

اصول کیش میترا

پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک در واقع اصول میترائیسم است. میترا از یک طرف الهه عشق و محبت است و از طرف دیگر الهه جنگ است و آن نبرد بین حقیقت و راستی با دروغ و ناراستی است. اعتقاد بر پایداری عهد و پیمان از اصول میترائیسم است به گونه‌ای که هر قول و قراری با کسی می‌گذارید آن را عمل کنید.

اگر یک معتقد به میترا، قولی به کسی بدهد که منکر میترا است و آن را عمل ننماید، میترا آن معتقد را مجازات می‌کند.

میترا و ورزش

زورخانه فعلی از بقایای سنت پیروان میترا است که ورزش را باعث سلامتی روح و جسم می‌دانستند. گروهی از پیروان میترا، در زورخانه‌ها ورزش‌هایی را می‌آموختند که به این گروه ای یار می‌گفتند و بعد از اسلام نام آن به عیاران تغییر یافت.

میترا و زرتشت

در واقع زرتشت معتقد بود که آیین میترا توسط روحانیان این آیین به انحراف رفته و باید آن را اصلاح کرد. بنابراین شاید بتوان زرتشتی‌گری را ادامه میترائیسم یا شاخه اصلاحی آن دانست.

شاعران ایرانی و میترائیسم

شک نیست که شاعران مانند حافظ به آیین میترا آگاهی داشته‌اند و استفاده مکرر از کلمات پیر مغان و اشارات دیگر، آشنایی این شاعر با کیش باستانی ایرانیان را می‌رساند. در شعر بسیاری از شاعران از کلماتی استفاده شده که آگاهی به کیش میترا را نشان می‌دهد.

طرح‌هایی از معابد مهری (مهرابه)

تقریباً در تمام معابد یک راهرو، آغاز ورود است و در سمت راست به اتاقی می‌رسیده‌اند که ظرفی سنگی پر آب بوده است یا سر خود را در آن می‌کرده‌اند یا

دست خود را خیس کرده و به شکل صلیب که نشانگر عناصر چهارگانه بود روی پیشانی ترسیم می نمودند. این عمل را می توان وضو تلقی کرد. در سمت چپ اتاقی بوده که در آن خاک پیدا شده یعنی به نظر می آید که تیمم می نموده اند. آشکار نیست در چه زمانی وضو می ساخته اند و چه وقتی تیمم می کرده اند و روش تیمم چه بوده.

با ادامه راهرو به نیمکت هایی سنگی در سمت راست و چپ نمازخانه (نما در ایران باستان پرستش خداوند بوده که اکنون به آن نماز می گوئیم). بوده. در مقابل پلکان سنگی قرار داشته که مغ از آن بالا رفته و سپس وعظ و دعا را شروع می کرده. محلی در تمام معابد مهری بوده که محراب دانسته می شود و آن برای قربانی کردن حیوانات بوده که سالی یکبار گاو و در بقیه موارد خروس ذبح می شده. گراز را هم برای شیطان قربانی می کردند تا از آسیب شیطان در امان باشند. تمامی معابد میترا در غارهای طبیعی یا مکانی است که به شکل غار ساخته شده و بسیاری از آنها نزدیک رودخانه بوده.

میترا و هاله نور

میترا فرزند خورشید است و خود نیز مانند خورشید، درخشنده است پس همواره در نقاشی ها، هاله ای از نور یعنی از صورت او نور به بیرون می تابد رسم می کردند که این سنت از کیش مهر به تمامی ادیان راه یافته است چرا که خداوند نور است و فرستاده او هم باید همراه نور باشد ولی به هر حال این کار از میترائیسم به جا مانده است.

غسل تعمید در میتراایسم

افراد نوجوان معتقد به آیین میترا در اولین روز پاییز در سالی که به سن بلوغ می‌رسیدند باید در معبدی که نزدیک به رودخانه بود حاضر می‌شدند در حالی که یک پیراهن بلند سفید بر تن داشتند وارد رودخانه می‌شدند و به زیر آب رفته و بیرون می‌آمدند و این عمل به معنی شروع مسئولیت‌های اجتماعی آنان بود. این عمل در مسیحیت نام غسل تعمید گرفت.

دعا - توبه - نذر - نماز

تاریخ نگاران گفته‌اند که دعا کردن در مهرابه‌ها شروع شد و نماز چه بسا از کلمه نما می‌آید که پارسی است و نوعی دعا کردن است در مهرابه‌ها انجام می‌شد. توبه کردن به معنی بازگشت کردن و دوری نمودن از گناه هم از کیش مهری است. در مورد نذر، معتقد بودند که نخست باید جامد باشد و شربت یا نوشیدنی دیگری قابل قبول نبود و نان یا حلوا یا گوشت متداول بود که دریافت کنندگان نیز آن را به عنوان اشتراک از غذای خدایان می‌پذیرفتند.

نشان صلیب - صلیب شکسته

ایرانیان باستان معتقد بودند که دنیا از چهار عنصر آب - باد - خاک و آتش تشکیل شده و این چهار عنصر را به صورت چلیپا (که بعدها در عربی به صلیبا و سپس صلیب تبدیل شد) نشان می‌دادند یعنی + با چهار ضلع مساوی (تفاوتش با صلیب مسیحی این است که پایه در صلیب مسیحی بلندتر از سه ضلع دیگر است) و چون



حیات با گردش این عناصر به وجود می‌آمد این چلیپا به این شکل درمی‌آمد که آن را گردونه مهری می‌گفتند و نشان هفت هزار ساله ایرانیان است. گردش در جهت عقربه‌های ساعت، شادی‌آور و عکس آن غمبار است. بعد که این کیش به اروپا رفت برایش رنگ‌هایی اضافه کردند که رنگ زرد و سبز و آبی را به منزله خبر خوب و رنگ‌های تیره را نکبت‌بار دانستند.

میترا الهه محبت، الهه جنگ

میترا به فرمان خداوند به خورشید و با تابش نور خورشید به گل نیلوفر یا سنگ، زاده می‌شود. این به معنی این است که مادر میترا، خورشید است و به همین دلیل، در نقاشی‌ها یا نقش سنگی یا مجسمه، یک فرزند در بغل مادر خورشید است که اگر در اروپا باشید فکر می‌کنید عیسی و مریم را می‌بینید. میترا به فرمان خداوند به دنیا می‌آید بنابراین پدری فیزیکی ندارد و بسیاری بر این تصورند که داستان عیسی و مریم در حقیقت کپی برداری از تولد میترا است.

میترا الهه است که در زبان ما به معنی مونث است. این را بپذیریم یعنی قبول کرده‌ایم که خداوند پیام‌آوری از بانوان فرستاده که چنین تصویری آنهم مربوط به هفت هزار سال پیش، ایرانیان را شاخص می‌کند چون در همه ادیان دیگر، پیغمبر، مرد بوده است.

وقتی دین میترا به اروپا رفت، میترا به صورت مرد و با سنّ بالا و ریش‌های سفید درآمد. میترا الهه محبت و پیمان است. هیچ کس نباید پیمان شکنی کند در هر مورد که باشد و گرنه میترا او را مجازات می‌نماید.

میترا الهه جنگ هم هست و برای هر کس که دنبال حقیقت باشد و به خاطر حقیقت بجنگد یاور است . او با تیرهای طلایی که با کمان به سوی دشمنان حقیقت پرتاب می کند آنها را شکست می دهد. میترا با گردونه ای که چهار اسب آن را می رانند بر بالای صحنه های جنگ ظاهر می شود و سربازان حقیقت را یاری می کند.

شراب هوم

پیروان میترا معتقد بودند که برای به خدا رسیدن باید از خود، بی خود شد و راه رسیدن به آن را در نوشیدن ترکیبی از شراب، گیاه شاهدانه و چند گیاه دیگر می دانستند. نحوه ساخت و میزان عناصر ترکیبی را فقط یک نفر در هر مهرابه بزرگ می دانست و مهرابه های کوچک، سهمیه ای از مهرابه های بزرگ دریافت می کردند. این ترکیب که هنوز هم جزو رازهای میترائیسم است را شراب هوم می گفتند.

نان و شراب

وقتی میترا گاو اولیه را ذبح می کند از خون گاو که بر زمین می ریزد گیاهان می رویند و از گوشتش جانوران به وجود می آیند. در مراسم مذهبی از شراب بجای خون و از نان به جای گوشت استفاده می کردند که متبرک تلقی می شد. این سنت اکنون در مسیحیت جاری است البته آنها می گویند عیسی (ع) در شام آخر، جرعه ای شراب و تکه ای نان به حواریون خود داد و گفت شراب خون من بود که در رگ های شما جاری شد و نان هم تن من که اکنون هر کدام از شما، پاره ای از تن

من هستید. تشابه مراسم ایرانی میترا با آنچه مسیحیت از آن نسخه برداری کرده قابل توجه است.

رنگ قرمز، رنگ محبوب میترا

تولد میترا در شب یلدا است و در آن شب انار و هندوانه می‌خوریم که قرمز رنگ هستند چون قرمز، رنگ محبوب میترا است. لباس پیر مغان که بالاترین مقام مذهبی در آیین میترا است قرمز رنگ است. انار به خاطر اینکه دارای دانه‌های فراوان است سمبل برکت در کیش باستانی ایران می‌باشد. پیروان میترا لباس قرمز می‌پوشیدند و بالاترین رتبه مذهبی میترائیسم که پیر مغان است لباسش قرمز رنگ است. هر چند در برخی مراسم از لباس ارغوانی استفاده می‌کرده‌اند.

خون

چون از ریختن خون گاو بر زمین، گیاهان می‌رویند خون سمبل حیات است و وقتی سالی یکبار در مهرابه، گاو ذبح می‌شد، مردم سعی می‌کردند خود را با خون گاو، رنگین می‌کنند و به افراد مورد علاقه نیز اثری از خون روی صورت یا پوست آنها می‌گذاشتند تا برکت داده شود و از بدی دور گردند. اکنون هم افراد وقتی اتومبیل نو می‌خرند یا منزل نو یا کالایی همانند اینها، با کشتن حداقل یک مرغ یا خروس و مالیدن خون آن بر روی بدنه اتومبیل، همان نیت را می‌کنند.

حلقه

حلقه از نشانه‌های اصلی میترائیسم است و معنی آن محبت می‌باشد. حلقه یک شکل یکنواخت و بدون گوشه تیز است و استمرار دارد. زمانی که در جنگی بین ایران و روم، عده‌ای رومی اسیر شده و مدتی در ایران ماندند و با این کیش آشنا شدند. آنها در بازگشت به کشورشان، فرهنگ میترا از جمله حلقه را به اروپا برده و آنرا کوچک کرده و در زمان نامزدی یا عروسی به انگشت مخاطب وارد کردند که معنی آن محبت است.

میله رو به بالا

این در واقع یک تیر (پیکان) است که رو به بالا قرار گرفته و در واقع نشانه‌ای از این است که میترا الهه جنگ نیز هست. میترا پیروان حقیقت و کسانی که در راه حقیقت می‌جنگند را هدایت و پشتیبانی می‌کند. او با ارا به‌ای که چهار اسب آن را می‌کشند از آسمان می‌آید و بر دشمنان راستی، تیر طلایی می‌بارد و باعث پیروان راستی می‌شود.

یکشنبه

روز یکشنبه روز دعا در میترائیسم بوده که وقتی این آیین وارد اروپا شد، روز یکشنبه را «روز خورشید» که به انگلیسی می‌شود sun DAY نامیدند. این روز تعطیل بوده است.

روز تولد مسیح در واقع روز تولد میترا است

وقتی در مسیحیت خواستند برای تولد مسیح، روزی را تعیین کنند تاریخ‌های مختلف از سوی فرقه‌های گوناگون مسیحی انتخاب شد ولی در نهایت به 25 دسامبر که برابر تاریخ آنها روز تولد میترا است برگزیده شد. اگر دو، سه روز بین شب یلدا و شب تولد مسیح (ع) فاصله است از نظر محاسبات نجومی است. چه تاریخی بهتر از شبی که ساعات تاریکی و روشنی مساوی می‌شوند و از آن پس هر شب یک دقیقه از تاریکی که اهریمنی است کاسته و به روشنی که اهورایی است افزوده می‌شود.

نقش شکل‌های نجومی در آیین میترا

بر سقف غارهایی که معابد مهری بودند تصاویر شکل‌های نجومی ترسیم می‌شد. این رابطه نزدیک بین میترائیسم و اعتقاد به نقش شکل‌های ستاره‌ای بر روی زندگی افراد است. تمام کسانی که مراحل خدمتگذاری رسمی میترائیسم را طی می‌کردند نجوم نیز یاد می‌گرفتند.

نماز

این کلمه که از کلمه فارسی نما به معنی عبادت می‌آید در آیین میترا روزی پنج بار که بستگی به گردش خورشید دارد یعنی قبل از طلوع، طلوع، نیمروز، عصر و غروب، افراد عبادت خداوند را می‌کردند.

احترام به خورشید و ماه

از نظر کیش میترا، خداوند نور است و تاریکی، اهریمن است. نشانه آشکار نور برای مردمان کره زمین، خورشید است بنابراین خورشید در روز و ماه در شب قابل احترام بوده‌اند.

خروس

از حیواناتی که مورد احترام بوده خروس است که با صدای صبحگاهی خود خبر از آمدن روشنی و رفتن تاریکی می‌دهد. سالی یکبار یک خروس، ترجیحاً سفید رنگ یا با رنگ یکدست قربانی می‌شده.

پوشیدگی

در تمام نقاشی‌ها و نقش‌های سنگی که از میترائیسم بجای مانده هیچ تصویری لخت وجود ندارد و تمام آثار باقی مانده، افراد با لباس بلند که تا روی پا را می‌پوشانده نقش شده‌اند.

مقامات مذهبی برای زن و مرد

از آنچه نویسندگان و تاریخ‌نویسان ایتالیایی آورده‌اند، زن‌ها هم می‌توانسته‌اند در سلک خدمتگزاران میترا درآیند ولی منصب پیر مغان فقط برای مردها بوده.

مراسم عمومی و خصوصی

مراسم عمومی معمولاً در فضای باز برگزار می‌شده و زن و مرد و کودک و بزرگسالان در آن شرکت می‌کرده‌اند ولی مراسم خصوصی، پشت درهای بسته و فقط با حضور خدمتگزاران رسمی میترا برگزار می‌گردیده.

مراسم نقاب‌ها

در مراسم مذهبی که گاه تا یک شبانه روز طول می‌کشیده افراد بسته به جایگاه رسمی خود نقاب بر چهره می‌زده‌اند مثلاً رده کلاغ با نقاب کلاغ و مرتبه شیر با نقاب شیر در مجلس حضور می‌یافته‌اند و بعدها در اروپا از این مراسم نسخه برداری شد و میهمانی‌هایی برگزار گردید که افراد با نقاب در آن حضور می‌یافتند و به آن بالماسکه می‌گویند که بال به معنی جشن و ماسکه به معنی نقاب است.

میترا و شکل‌های فلکی

در کیش میترا، شکل‌های فلکی نقش مهمی دارند. در واقع معابد میترا در غارها بود و سقف غارها را به صورت گنبد فلک نقاشی می‌کردند و چون معتقد بودند که هفت سیاره است که بر روی زندگی مهم اثر می‌گذارد، شکل آن هفت ستاره را نقاشی می‌کردند که عبارت بود از کره ماه، خورشید، مریخ،....

عدد هفت در آیین میترا که مهر نیز نامیده می‌شود عدد مهمی است و احترام این عدد و مبارک بودن آن هنوز هم به شکل‌های مختلف در ادیان یا اعتقادات مردم باقی مانده است.

البته بعدها که دین مهر به اروپا رفت اروپائیان ستاره‌ها و شکل‌های فلکی را به دوازده رساندند.

مغ

مغ یک مقام مذهبی در دین میترا است که یونانی‌ها آنها را ماگوس می‌نامیدند و کلمه مجوس که عرب‌ها به ایرانیان می‌گفتند از همین لفظ یونانی می‌آید. این اصطلاح ماگوس در انگلیسی به مجیک MAGIC یعنی جادو تبدیل شده چون معتقد بودند مغان چون آگاهی از نجوم و پزشکی دانستند به نوعی جادو می‌کنند.

سلسله مراحل مذهبی مغان

هفت مرتبه برای کسی که می‌خواست روحانی میترائیسم بشود وجود داشت که به ترتیب سرباز - کلاغ - خروس - هم‌سرا - شیر - مرد پارسی - پیر مغان

بازگشت ناجی

در آخر مرحله، میترا به دستور خداوند به همراه ارباب‌اش به آسمان می‌رود تا زمانی که اراده خداوند باشد باز گردد. این اعتقاد به وجود ناجی به تمام ادیان راه یافته است.

در میترائیسم مرگ مقدس وجود ندارد

میترا شب یلدا به دنیا می‌آید بنابراین جشن تولدش را تحت عنوان مراسم شب یلدا می‌گیریم ولی هنگامی که خداوند احضارش می‌کند به آسمان می‌رود ولی وفات در

کار نیست. در کیش میترا غم فوت میترا یا حواریونش وجود ندارد. جشن‌های میترا مانند غسل تعمید نوجوانان و قربانی برای خداوند همه نشاط و شادمانی دارند.

تعطیل کردن کار در آیین میترا گناه است

میترا همه را توصیه به پندار نیک- گفتار نیک- کردار نیک می‌کند. تعطیل کردن فعالیت جزو کردار نیک نیست. این سه پایه، در زرتشتی‌گری نیز وجود دارد ولی ریشه‌اش در کیش میترا است.

گنبد

گنبد در آیین میترا، تلقی از جهان هستی است و آن را گنبد فلک می‌گفتند و سقف غار را که معبد میترا بود به شکل داخل گنبد درآورده و شکل‌های فلکی را روی آن ترسیم می‌کردند.

بابا نوئل

وقتی میترا به اروپا رفت تبدیل شد به یک مرد با ریش‌های بلند، حالا مردی با موها و ریش‌های بلند را تصور کنید که لباس قرمز میترا را پوشیده و کلاه فریجی هم بر سر گذاشته، می‌بینید که اروپایی‌ها به او پدر کریسمس یا بابا نوئل می‌گویند.

نقش بر روی مچ دست

وقتی کسی داوطلب خدمتگزاری رسمی کیش میترا می‌شد، آزمایش‌های جسمی دشواری را می‌گذراند و اگر موفق می‌شد روی مچ دست یا بازوی او نقش چلیپا (صلیب) را می‌گذاشتند و این به معنی ورود به سلک روحانیون آیین میترا بود.

روزه گرفتن

مردم سالی چند روز روزه می‌گرفته‌اند ولی مغان سالی شش ماه باید روزه می‌گرفته‌اند.

مسیحیت و میترائیسم

وقتی آیین میترا در اروپا توسعه پیدا کرد در تپه‌ای به نام کاپیتول در رم که در آن زمان قلب اروپا بود، معبدی داشت که پیر مغان یعنی ارشدترین مقام مذهبی کیش میترا در آنجا بود که مسیحیان واتیکان را روی آن ساختند و به میدان مقابل معبد که نام پیر مغان را داشت نام سنت پیتر را گذاشتند.

میترا و اروپا

آیین میترا در رم، آلمان، اطریش و یوگسلاوی و مجارستان رشد زیادی داشت هرچند که در انگلستان هم معابد میترا وجود داشت.

محیط زیست

در میترائیسم، جهان از چهار عنصر آب- باد- خاک و آتش به وجود آمده که این عناصر مورد احترام و ضمن اینکه خود نیز پاک کننده هستند، نباید آلوده شوند. در واقع قدیمی‌ترین قانون محیط زیست را داریم و تمامی مقررات فعلی هم در جهت جلوگیری از آلوده شدن این عناصر هستند.

معراج میترا

در تمامی ادیان، معراج وجود دارد یعنی رفتن به عالم بالا، شب آخر، میترا تمامی نمایندگان شکل‌های فلکی را به شام دعوت می‌کند و با آنان وداع گفته و سوار بر اربه خود به سوی آسمان می‌رود تا زمانی که به فرمان خداوند، دوباره باز گردد.

نام‌ها

میترا الهه عشق و محبت و پیمان و وفاداری است و چون میترا و مهر را یکی دانسته‌اند نام‌های مهرداد یعنی بخشش مهر و صفت مهربان یعنی نگهبان مهر، نگهبان محبت را هنوز هم در فارسی داریم.

عدد مقدس

هفت عدد مقدس کیش میترا است. شاید برگزاری مراسم هفتم یک متوفی از احترام به این عدد بیاید و همچنین هفت روز هفته.

ایرانیان و الهه‌ها

در ایران فقط به نام دو الهه، میترا- و- آناهیتا برمی‌خوریم که اولی الهه عشق و جنگ و پیمان و وفاداری است و آناهیتا الهه آب و باروری است در حالی که در هند و یونان و رم تعداد زیادی الهه و خدایان وجود داشته است.

آخرین دوره میتراایسم در اروپا

در آخر قرن چهارم میلادی، مسیحیان شروع به کشتن پیروان آیین‌های دیگر و تخریب معابد آنها از جمله میتراایسم کردند. هرچند که قتل عام پیروان سایر ادیان صورت گرفت ولی از تأثیر معنوی و حتی ظاهری کیش میترا نتوانستند دور شوند.

نشستن در مهرابه (معبد میترای)

در تمام معابد میترای که برخی از آنها به عنوان آثار باستانی تاکنون باقی مانده‌اند و با تخریبی که مسیحیان در آنها انجام داده‌اند در مقابل محراب، دو ردیف نیمکت بوده که مؤمنین به میترا روی آنها می‌نشسته‌اند بنابراین برای دعا و شنیدن حرف‌های پیر مغان، مردم روی نیمکت می‌نشسته‌اند و اکنون در کلیساها نیز همین حالت دیده می‌شود. در مقابل این نیمکت‌ها چند پله سنگی بوده که پیر مغان از آن بالا می‌رفته و رو به حضار دعا می‌کرده که در آیین‌های دیگر نیز مشابه آن دیده می‌شود.

هوم

ترکیبی بوده از شراب و برخی گیاهان که پاره‌ای تاریخ‌نویسان، گیاه شاهدانه را نیز از مواد این نوشیدنی دانسته‌اند. چون پیروان رسمی میترا یعنی روحانیون آن، مراسمی مذهبی داشته‌اند که تا یک شبانه روز طول می‌کشیده، این نوشیدنی به آنان انرژی لازم را می‌داده است. ترکیب و نحوه ساخت آن محرمانه بوده و در هر مهرابه به بسته بزرگی و کوچکی، از یک تا چهار نفر به ترکیب آن آشنا بوده‌اند.

پیروان میترا معتقد بودند برای رسیدن به خدا باید از خود، دورشوی و این کار با شراب هوم میسر بوده و آنان بی خود شده و کشف حقایق می کرده‌اند. در روزهای یکشنبه اندکی از شراب معمولی به مومنین داده می شده است.

خورشید خانم

در ایران ماه سمبل زیبایی است ولی اصطلاح خورشید خانم را داریم و در نقاشی‌های مینیاتوری تصویر خورشید را به صورت یک زن می بینیم. وقتی این را در کنار میترا می گذاریم که الهه است و زاده خورشید، متوجه می شویم که اصطلاح خورشید خانم از کجا می تواند آمده باشد.

تسبیح

تسبیح، سی دانه داشت یعنی به عدد روزهای ماه و وجود روزهای ماه براساس تقویم آن زمان بوده و چون پنج روز آخر سال را (یعنی 12 ماه سی روزه و پنج روز که جمعاً می شود 365 روز) پنجه می گفتند. یکی از اصول آیین میترا تأثیر ستارگان یعنی نجوم بر زندگی افراد بوده در نتیجه در بیشتر نشانه‌های میترای، نقش ستارگان را می بینیم.

تأثیر ستارگان بر زندگی انسان‌ها

در کیش مهر، هفت ستاره در زندگی انسانها نقش مهمی دارند که پس از ورود این آیین به اروپا، این ستارگان به 12 شکل فلکی تغییر یافتند و اروپائیان آن را زودیاک می گویند.

دست فلزی

گاهی دستی از مچ را در یک کاسه قرار داده و آن را منسوب به امور تاریخی مذهبی می‌کنند و تقاضای کمک مالی دارند در حالی که صاف قراردادن کف دست رو به مخاطب، علامت بسیار باستانی ایرانیان برای احترام بوده و این احترام می‌توانسته به یک نفر یا قوم و ملتی باشد.

نان و نمک

دو عامل مهم در دین میترا بوده که قسم به آن برای تأکید بر پیمان بوده و هنوز هم بین مردم متداول است.

عیار

پیروان میترا که کمک از اغنیا جمع کرده و به نیازمندان می‌رسانده‌اند را اُی یار و جمع آن - ای یاران - بوده که پس از حمله اعراب به ایران به عیاران تبدیل یافته. مردانگی و فتوت از اصول این گروه بوده که بعدها یعقوب لیث صفار هم به این جماعت پیوسته، کمنداندازی و بالا رفتن از ارتفاع و انواع حيله‌ها بین آنان آموزش داده می‌شود. در واقع بنیان انجمن‌های خیریه فعلی می‌تواند باشد.

سلام دادن

دست راست را رو به بالا با کمی شیب گرفتن، سلام ایرانیان باستان بوده که هیتلر نیز از این سنت آریایی اقتباس کرد و اکنون دست دادن جای آن را گرفته است.

تا سه نشه بازی نشه

شاید قدیمی ترین مستندی که پیدا کرده ام به اصول میتراپی - پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک برمی گردد. این سه یعنی اول فکر مثبت و خیر به ذهن افراد می رسد. دوم آن افکار را بیان می کند. سوم به عمل در می آورد. پس برای اینکه نتیجه به اجرا و عمل رسیده و مشهود شود باید هر سه صورت گیرد. این ضرب المثل را در مواردی به کار می روند که ممکن است عملی به مشابَهت تا دو بار تکرار شود و افراد معتقدند که سومین بار هم رخ خواهد داد.

سه شد

همانطور که پندار، گفتار و کردار نیک هست، پندار بد، گفتار بد و کردار بد هم وجود دارد یعنی فکر زشت به گفتار ناپسند و سپس به عمل غلط منجر می شود. پس اگر به سومی که عمل به افکار پلید رسید یعنی کار خراب است و باید منتظر نتایج ناراحت کننده بود.

میترا و صوفی گری

آیین میترا بعدها به صورت صوفی گری بروز کرد. هفت شهر عشق یا هفت مرتبه سلوک و جوانمردی و نان و نمک و تأکید بر عهده و پیمان، عیاری، همه جلوه های کیش مهر هستند که تاکنون حفظ شده اند.

دو دعای میتراپی

ای میترا تو ما را یار باش، ای میثر به تو دروغ نتوان گفت، دشمنان ما را به بیم و هراس درافکن، چون تویی که می توانی نیروهای شان را بازستانی و درمانده شان سازی. چون کسی از روی خلوص نیت، مهر را بستاید در پیکارگاه از گزند سلاح دشمن، هرچند که چابک باشد در امان بماند.

ای میترا، این سرودهای ما را بشنو، ستایش و عبادت ما را بپذیر. کام ما را روا کن، فدیة و نیازمان را بپذیر و در میان این جمع دوستانت فرود آی، چون پیمان ات برای شادی پیروانت استوار است، اینک کامهای مان را برآر، آنچه خواستاریم، پیروزی، کامرانی، نعمت، نیک نامی، آسایش وجدان و درک علم و معرفت و تمیز کامل است در حقایق، تا در سایه ی این نعم و نیروها بر دشمنان مان پیروز شویم تا که آنان را برافکنیم، تا که دیویسنان را و جادوان را نابود سازیم.

دشمن میترا

میترا دشمن بی امان دروغ و دروغگویان است. هیچ کس نمی تواند به او دروغ بگوید. میترا از دروغ بیش از هر چیز و خلافی آزرده می شود. هر جا که دروغ باشد و دروغگویی، وی به تندی بدان سو می رود و دروغگویان را به سختی کیفر می دهد. دروغگویان هم دشمنان میترا هستند.

میترا نگهبان قوم آریا

پنج قبیله همزاد نژاد آریایی را تشکیل می‌دهند و میترا پیش از آنکه خورشید از پس کوه هرا (البرز) سر کشد وی با جامه زرین و زینت‌هایش از آن بلندی کوه به نگرش همه سرزمین آریایی (ایران) می‌پردازد.

چه سنت‌هایی از میترائیسم شروع شده‌اند

قربان کردن، شست و شو (غسل)، روزه، چله نشینی، سماع، همسرایی دینی، به خود تازیانه زدن، نذر کردن، دعا کردن.

چرا روز سوم پس از مرگ مهم است

معتقد بودند که پس از مرگ، یک روز روح در پندار نیک، روز دیگر در گفتار نیک و روز سوم در کردار نیک معطل می‌ماند تا کارنامه خود را دریافت کند و در واقع در روز سوم تعیین تکلیف می‌شود. عددهای 3، 7 و 12 ارقام مقدس میترائی هستند.

شب اول مرگ

در آیین میترائی، پس از مرگ دو دیو بر سر مرده حاضر می‌شوند و اولی مرده را کفن کرده و دومی با گرز بزرگی حاضر می‌شود و فشار زیادی بر جسد وارد می‌کند که این را به فشار قبر تعبیر کرده‌اند.

سلاح‌های میترا

در گردونه مهر، هزار کمان وجود دارد. کمان‌هایی ممتاز با زه‌هایی محکم که چون با آنها تیر پرتاب شود با سرعتی فوق تصور به سوی هدف روان شده و دیوان

بسیاری هلاک می‌شوند. تیرهای محکم با پره‌های عقاب تزیین شده‌اند و به‌نر از آن‌ها وجود ندارد. یک هزار شمشیر دو لبه برنده از پولاد، یک هزار خنجر دو دم بسیار محکم، یک هزار گرز آهنین که سلاحی قدرتمند در دست میترا است.

برادری

اعضای کیش میتراپی یکدیگر را برادر و خواهر صدا می‌کردند و مسئولیت سنگینی در نگهداشت حقوق یکدیگر داشتند.

حل اختلافات

اگر مشکل درون یک خانواده بود با کدخدامنشی، اگر در یک قبیله بود با رئیس قبیله و همین‌طور در یک شهر یا حتی بین دو کشور یا اتباع دو سرزمین جداگانه، قوانینی بود که بر اساس آن عمل می‌کردند و قاضی و اعضای مشورتی (هیئت منصفه) ترکیب مشخصی داشتند.

سروش

کلاغ رساننده پیام عرش اعلی بوده و پیام را به میترا می‌رسانده، در برخی کتب آمده که میترا مستقیم پیام را دریافت می‌کرده.

نقش‌های جنگی

گرز: برای کوبیدن بر سر دشمنان حقیقت و راستی
گراز: دندان‌های تیز، چنگال‌های قوی، پاها و چنگ و دم و فک قوی که جلوی میترا می‌دود و دشمنان را با یک ضربه کنار می‌زند.

دشمنان

میترا یا میتر به معنی عهد و پیمان است و بنابراین او نگهبان هر پیمان می‌باشد و دشمنان او دروغ هستند که کلمه دروغ از همین مبنا آمده. دروغ یعنی نافرمانی و پای از حدود قانون بیرون نهادن.

دوزخ و جهان واپسین

آنچه به عنوان دوزخ و جهان واپسین در ادیان وجود دارد قبلاً در آیین میترا آمده. شرح این است که وقتی کسی از دنیا می‌رود، سه مرحله گفتار، کردار و پندار را طی می‌کند و اگر کارنامه در مجموع مثبت باشد به پلی به نام چینوت می‌رسد و اگر اعمالش خیر و نیک بوده، پل به چشم او عریض می‌رسد و به آن طرف پل رسیده و به نور جاودان می‌پیوندد. چنانچه عملکرد او منفی باشد پل به نظر او باریک دیده شده و از بالای آن به جای تاریک و سردی سقوط می‌کند به نام زمهریر، آنقدر آنجا می‌ماند تا از گناه پاک شده و او هم به روشنایی پایدار پیوندد. در برخی کتب به جای زمهریر از رودخانه فلزات مذاب یاد شده.

سوگند

کیش میترا بر اساس راستگویی و پایداری در عهد و پیمان استوار است. اگر کسی متهم به نقض پیمان شود و او منکر باشد باید در روش‌هایی سخت‌گیرانه مانند آزمون آتش شرکت کند و اگر سالم بیرون آمد گنهکار نیست و اگر صدمه دید در حقیقت مجازات عملش را دیده. سوگند از سوده گوگرد آمده که در آب حل می‌کردند و متهم می‌نوشیده و اگر صدمه‌ای نمی‌دید از اتهام مبرا می‌شد. هر چند

ادای سوگند با کلام صورت می‌گیرد ولی شخص باید فکر این که نمی‌تواند آن را رد کرده یا پشیمان شود را بکند تا دچار مجازات نگردد.

چهارشنبه سوری

این سنت از کیش مهری می‌آید. آتش از عناصر اولیه حیات بوده و مراسمی برای بزرگداشت آن داشتند که البته پریدن از روی آتش را نداشته ولی دور آن چرخ می‌زدند و دعا می‌خواندند.

گروه گر (همسرایان)

خواندن دسته جمعی آوازهای مذهبی از آیین میترا آمده تقریباً در تمامی مراسم مذهبی، افراد حاضر در محفل، شروع به خواندن گروهی دعا می‌کردند. این همسرایی به مسیحیت وارد شد و نام گروه گر به خود گرفتند. همسرایی آوازی اشعار مذهبی بعد در اروپا از کلیسا هم خارج شد و در موزیک‌های متداول هم جایگاه دارد.

چگونگی وارد شدن آیین مهری در مسیحیت

یکی از بزرگان مذهبی آیین مهری بعد به مسیحیت وارد شد و جایگاه بزرگی احراز نمود. این شخص بسیاری از مراسم میتراپی را با نام جدیدی وارد دین مسیحی کرد.

جگر

طنزهایی در باره جگر، که متداول آن را جیگر می‌گویند وجود دارد اما ریشه آن این است که وقتی حیوانی برای خدا قربانی می‌شد رسم بود که مغ (مقام مذهبی میتزایی) شکم حیوان کشته شده را بدرد و جگر را بیرون بیاورد. مغان (جمع مغ) تخصص داشتند که با ملاحظه جگر، پیشگویی آینده بکنند و بعد گاهی جگر را دور می‌انداختند و بعضی وقت‌ها آن را خام یا پخته می‌خوردند. جگر نشانگر آینده بود پس مهم‌ترین قسمت جسم بودند. جمله این که اگر جیگرش را داری که معنی پرسش در باره شجاعت را می‌دهد در واقع به مفهوم این است که اگر جگر تو، نوید پیروزی‌ات را می‌دهد.

رنگ لباس

لباس سفید بلند، لباس مراسم مذهبی میتزایی است و مومنین با این لباس در دعا کرده حاضر می‌شده‌اند.

والتاین و میترا

در ایران باستان یک روز به نام «روز زن» بوده که افراد به همسر، دختر، خواهر خود هدایایی می‌دادند. در اروپا داستانی هست که یک کشیش در زمان ممنوعیت عقد کردن دختر و پسر، نسبت به عقد آنها اقدام کرده که سپس به همین خاطر به دستور سزار اعدام شده و ظاهراً نام این کشیش والتاین بوده.

حال ببینیم که در روز مالتاین باید هدایایی با بسته بندی قرمز به محبوب داد. رنگ قرمز رنگ مورد علاقه میترا است ضمناً میترا الهه عشق و محبت است که

برخی نیز روز والنتاین را روز عشاق می‌نامند. در واقع روز زن، که یکچند هزار ساله میتراپی است از طریق اروپایی‌ها احیا و به ایران بازگشته.

یونان

نام قدیمی یونان هلنی بوده که از کلمه هلیوس به معنی خدای خورشید می‌آید و این نام همواره نام سل یعنی خورشید برای میترا بوده. در اروپا بخصوص رم و یونان سل یا هلیوس را معادل میترا می‌دانند. در واقع قدیمی‌ترین فرهنگ اروپا هم از این آیین تأثیر پذیر بوده.

بوی خوش در مهرابه‌ها

در تمام معابد میتراپی، چوب‌های خوشبو می‌سوزانده‌اند تا مهرابه خوشبو باشد و این عادت تز این آیین به سایر ادیان راه یافت.

رقص سماع

افراد در مراحل مختلف مناصب روحانی میتراپی در مراسمی با گذاشتن نقاب، به سماع می‌پرداخته‌اند/ این حرکات مذهبی موزون بعدها در عرفان ایرانی جایگاه پیدا کرد.

آتش

برخی مراسم در شب برگزار می‌شد که آتش به عنوان نور روشن می‌شد و افراد با آوردن چوب مقدس، آن را می‌افروخته‌اند.

آلات موسیقی

شک نیست که چنگ که در اروپا به آن هارپ می‌گویند یک ابزار ایرانی موسیقی است. این ابزار در مراسم دینی مهری مورد استفاده بوده.

میترا الهه نور و روشنایی

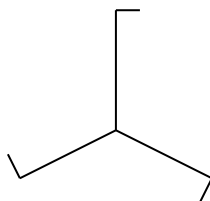
میترا الهه نور است و روشنایی می‌آورد. از آن زمان نور تصویری خدایی است و تمام افراد مومن از نور خدایی بهره‌مند می‌شوند.

وظایف دیگری که به میترا نسبت می‌دهند

برخی وی را سروش یعنی آورنده خبر از عالم بالا می‌دانند. گروهی او را داور روز جزا شناخته‌اند. تاریخ نویسانی نیز او را مایه رشد گیاهان و جانوران دانسته‌اند.

جشن مهرگان – مهر جان – میترا کانا

این جشن شانزدهم مهر ماه مطابق با روز مهر از ماه مهر برگزار می‌شد و تا بیست و یکم مهر ماه ادامه داشت. نام اصلی و قدیمی این مراسم، میترا کانا بود. در واقع در ایران باستان، سال به دو فصل تابستان و زمستان تقسیم می‌شد که بیشتر از باب کشاورزی بود. تابستان با جشن نوروز شروع می‌شد و زمستان با جشن مهرگان. قربانی کردن و نوشیدن شراب مقدس از مراسم این جشن بود.



صلیب چهارضلعی علامت کامل بودن عناصر است و شکل سه ضلعی به معنی نقصان است و به شکلی که نشان داده شده یعنی به جای چهار عنصر، سه عنصر گردش داشته باشند. پس حیات به وجود نمی‌آید پس مانند اینکه می‌گویند چهار ستون بدن، عدد چهار، رقم تکاملی است و سه، عدم تکامل را نشان می‌دهد شاید اینکه عده‌ای عوام می‌گویند سه شد از همین فرهنگ آمده باشد.

نماز

سه بار در روز مؤمنین متیرا باید نماز می‌کردند که هنگام طلوع خورشید، نیمروز و غروب است.

متیرا نگهبان خانواده

میترا حافظ خانواده است همچنانکه نگهبان ده، شهر و کشور هم هست. خانواده از ارکان در میترائیسم است و اثرات پندار، گفتار و کردار نیک بین اعضای خانواده زودتر آشکار می‌شود، ضمن اینکه میترا الهه محبت هم هست که پیوند خانواده را به وجود می‌آورد.

دندان روی جگر گذاشتن

مغان میتراپی تخصص داشتند که وقتی یک حیوان مثلاً قوچ (گوسفند شاخ‌دار) قربانی شده بود بروند شکم حیوان را پار کنند و جگر را بیرون آورند و با نگاه کردن، لمس کردن و زیردندان گرفتن آن که این اعمال را صبورانه انجام می‌دادند آینده را پیشگویی کنند. کنایه از ضرورت صبور بودن است.

فره ایزدی

اعتقاد بر این بود که چیزی به نام فره ایزدی وجود دارد. وقتی خداوند برای کسی بزرگی بخواهد این فره به شکل یک پرنده مانند عقاب به سوی او فرستاده می‌شود و تا هنگامی که این فره با شخص باشد او در سعادت و قدرت است. هرگاه شخص نسبت به خداوند، ناسپاسی کند این فره از او جدا می‌شود. فره در شکل عقاب، شاهین یا گوسفند تجلی یافته است.

وقف

برای تأمین زمین جهت ساخت مهرابه‌ها و برای مخارج مهرابه‌ها، افراد زمین و ساختمان‌هایی وقف می‌کردند. زمین‌های مهرابه‌ها همگی وقف بوده‌اند.

برادری

در کیش مهری، افراد برابر محسوب می‌شدند و عناوین طبقاتی و حرفه‌ای وجود نداشته و نمی‌بایستی در نامیدن یکدیگر از القاب استفاده می‌کردند.

تکرار آفرینش

اعتقاد پیروان میترا بر این بود که هر بار میترا آفریده می‌شود و حیات آغاز می‌گردد و هنگامی که همه‌چیز به پایان می‌رسد پس از مدتی، بار دیگر آفرینش و تمامی حکایت تکرار می‌شود پس شاید بارها این مراتب روی داده.

مهرابه

نام خورآبه، که به خورآباد (خور به معنی خورشید) و سپس خرابات تبدیل شده و در اصطلاح شعری، خرابات هم نامیده شده به معنی خانه و جایگاه خورشید یعنی معبد مهری است. در اشعار به میکده اطلاق شده.

هفت سیاره مهر در آیین میترا

ماه، خورشید، عطارد، زهره، مریخ، مشتری، زحل که هر روز هفته را به یکی از گروه‌ها ربط داده‌اند. تصویر بر این بود که روح هر فردی که به سوی زمین می‌رود تا در جسمی قرار گیرد ویژگی یکی از این هفت سیاره را با خود دارد.

دوازده شکل فلکی (برج‌ها)

هر کدام از این شکل‌های فلکی را به یکی از ماه‌های سال ارتباط داده‌اند.

گیاهان مقدس در میترائیسم

انگور - انار - گندم - گل نیلوفر

معاد و رستاخیز

این دو اصل از آیین مهری آمده و در روز نهایی، میترا همه ارواح را برمی‌انگیزاند و نسبت به اعمال آنها داوری می‌کند.

حیوانات مقدس

کلاغ، سگ، شیر، دلفین، خروس

در چه کشورهایی، معابد مهری بیشتری وجود دارد

ایتالیا، انگلستان، رومانی، یوگسلاوی، فرانسه، آلمان، بین‌النهرین

میترا و عرفان

شک نیست که اصول میترائیسم، عرفان ایرانی را تشکیل داده و حافظ و مولانا و هاتف و خواجوی کرمانی هم در اشعار خود اشارات عارفانه کیش مهری را آورده‌اند. گاو را تشبیه به نفس کرده‌اند که باید قربانی شود تا حیاتی نو به وجود آید. شهاب‌الدین سهروردی اشارات زیاد از این قبیل آورده است.

به موردی اشاره می‌کنیم، چون قربانی به پایان رسید مجلس سور و مهمانی برگزار می‌شود. مهر یا میترا در مهمانی پشت میزی نشسته و نان مقدس (گوشت گاو قربانی) و شراب (خون گاو قربانی) می‌نوشند. مجلس انس و خلوت است. تنها یاران غار در این بزمگه راه دارند. نوای نی و بربط و عود و دف می‌آید. پیرمغان بر صدر و آتش در آتشدان‌ها شعله‌ور و مغ بچگان به ساغرریزی و خدمت. در نقش برجسته‌ها، شیرمردان هستند که خدمت می‌کنند و گاه پوشیدگان یا مغ بچگان.

یعقوب لیث

آورده‌اند که یعقوب مهر دین بوده و از اصحاب غار، لیث لقب آئینی‌اش بوده به معنی شیرمرد.

یار غار

در نزد عموم، این لقب ابوبکر است که با حضرت رسول(ص) در مسیر مهاجرت به مدینه در غاری پناه گرفتند. اما ریشه قدیمی آن نزد میترائیان است. افرادی که در خدمت میترا بودند در مجالس خصوصی در غار (مهرابه) شرکت می‌کردند و با یکدیگر یکرنگ و دوست و صمیمی بودند و اختلاف طبقاتی و سایر امتیازها از بین می‌رفت.

سوگند خوردن

این سنت هم از آیین میترا است. افراد به میترا سوگند می‌خوردند که راستگو بوده و در پیمان هم وفادار باشند. در سنگ نوشته از قراردادهایی که بین سلاطین باستان بستر شده سوگند به میترا خورده شده که به مفاد قرارداد پای بند باشند.

تقدیر

اعتقاد داشتند که افراد ناگزیر از پیروی تقدیر خود هستند و فقط در صورتی که از خداوند درخواست کمک کنند و پذیرفته شود، تقدیر آنان می‌تواند تغییر نماید. کلمه تقدیر در آیین باستانی ایران «بخت» است و اصطلاحات سفید بخت و سیاه بخت که تاکنون نیز مورد مصرف دارد از همین ریشه آمده.

دوازده شکل فلکی و هفت ستاره

بر این بودند که دوازده برج فلکی تأثیر خوب و مثبت بر زندگی انسان‌ها دارند و هفت ستاره می‌توانند اهریمنی باشند و اثر منفی بگذارند.

عطوفت میترا

میترا وقتی فرمان خداوند برای ذبح گاو را دریافت می‌کند پاسخ می‌دهد که نمی‌توانم موجودی را ذبح کنم تا پاسخ می‌رسد که باید این کار را بکنی چون حیات آغاز می‌شود. در تمام نقاشی‌ها و تندیس‌های سنگی، میترا در لحظه ذبح گاو، غمگین و محزون است و سرش را برگردانده.

شکل تخم‌مرغی کیهان

در کیش میترا تصور داشتند که خلقت کیهان به شکل تخم‌مرغی است. گاه نقاشی یا تندیس میترا در یک قاب بیضوی قرار گرفته که نشانگر شکل فلکی خلقت است.

تفال، پیشگویی

رسم بر این بود که مغان براساس شکل‌های فلکی تفال می‌کردند و آن را تفسیر و اعلام می‌نمودند. معمولاً خشکسالی، پر آبی، بروز بیماری مسری، پیروزی در جنگ و این امور را پیشگویی و تفال می‌کردند.

تعداد درها در مهرابه‌ها

در هر مهرابه هفت در وجود داشت که نشانگر هفت مرحله سلوک بود و در هشتمی نیز بود که سمبل آسمان هشتم یا جایگاه خداوند بود.

زمان قربانی کردن گاو

در ابتدای فروردین قربانی کردن گاو انجام می‌شد زیرا حسب اساطیر، از خون گاو، گیاهان می‌رویند که گندم و تاک انگور، اولین گیاهان هستند ضمناً در شب یلدا هم که تولد میترا بوده این کار صورت می‌گرفته.

میترا و آب

در صحنه‌ای، میترا برای رفع خشکسالی تیری به سوی صخره‌ای نشانه می‌رود و در محل اصابت تیر به سنگ، چشمه آب روان می‌شود. در آیین یهود هم موسی عصای خود را به سنگ می‌زند و از آن آبی جاری می‌گردد.

مهرابه، خُرابه، خرابات

خُرابات جمع خرابه می‌باشد و مرکب از خور به معنی خورشید + آبه یا آوه که در واژه‌های گرمابه - سردابه هم وجود دارد، آبه به معنی محل مسقف که سقف گنبدی داشته باشد. کلمه آبه در فرانسه به ABBAYE و در انگلیسی به ABBEY به معنی دیر و معبد است. در مهرابه یا خُرابه، پیرمغان به درس اخلاق و دانش نجوم و پزشکی می‌پرداخت.

سنگ

در اساطیر، روشنایی برآمده از گنبد آسمان است. آسمان را به شکل گنبدی از سنگ تصور می‌کرده‌اند که نور از آن متولد شده. تولد میترا از سنگ نیز در همین مفهوم است.

درخت انجیر

در برخی روایات آورده‌اند که میترا وقتی به دنیا آمد با برگ انجیر خودش را پوشاند. درخت انجیر از این بابت جزو معدود گیاهانی است که نامشان در این کیش مطرح است.

دفن مردگان

مردگان را رو به شرق یعنی جهت طلوع خورشید قرار می‌دادند. معتقد بودند اگر کسی مراحل سلوک و عرفانی میتراپی را طی کرده ضمناً در جنگ با دشمنان راستی و حقیقت کشته شده باشد یگراست به بهشت می‌رود.

چهارشنبه سوری

سور به معنی جشن است و در چهارشنبه آخر سال آتش افروخته و می‌گویند

زردی من از تو سرخی تو از من

آتش از چهار عنصر آب، باد، خاک و آتش می‌باشد که تشکیل دهنده حیات هستند و مردم از یکی از این عناصر خواهان سلامتی می‌شوند.

برای هفتاد پشتم کافی است

عدد هفت، رقم مقدسی است و در زبان فارسی ضرایب آن را هم در موارد مختلف به کار می‌برند و مثلاً وقتی اغراق می‌کردند می‌گفتند برای هفتاد پشتم کافی است.

نمک و سق نوزاد

سق منظور سقف دهان است و پس از تولد نوزاد، اندکی نمک را به سق کودک می‌مالیدند تا نسبت به پدر و مادر و دیگران نمک‌شناس (حق‌شناس) شود.

نقاره‌خانه

برای هنگام طلوع و غروب خورشید و در نقطه بلندی با ابزار آن زمان که سُرنّا (نوعی بوق یا شیپور بلند) و کوس (نوعی طبل بزرگ) بود سرود می‌نواختند که البته هنگام جنگها نیز این موسیقی برقرار بود و بعدها به آن نقاره‌خانه گفتند و هنگام اذان صبح و مغرب می‌نواختند و محلی را در بالای یک ساختمان عمومی می‌ساختند که نقاره از آن جا نواخته شود تا به گوش همه برسد.

چهل چراغ - چلچراغ

چهل چراغ سمبل روشنایی زیاد بود و ثروتمندان خریداری کرده و به مکانهای مذهبی هدیه می‌دادند. ریشه این کار از آئین میترا است.

چراغ اول را روشن کن - سر چراغی

اول غروب چراغ روشن می‌کردند و آن زمان را سرچراغی می‌گفتند. اکنون مفهوم پول دارد.

به این سوی چراغ

از قسم‌های مردم بوده به این سوی چراغ که منظور به این نور چراغ است. چراغ سمبل روشنایی است پس قسم به نور، ریشه قدیمی دارد.

بزن روشن شی

هنگام نوشیدن مشروب‌ها، به عنوان تعارف، این جمله را می‌گفتند و مفهوم روشن ضمیری بعد از نوشیدن دارد که در فرهنگ میترائی کاملاً آمده است.

مثل ماه شب چهارده

در آئین میترا، نور نشانی از قدرت خداوند است و شبها، ماه که پرنورترین جسم در شب است مورد احترام بوده وصف کردن زیبایی بانوان به ماه شب چهارده که پرنورترین شکل ماه است از این آئین می‌آید.

هفت سین

عدد هفت از اعداد مقدس ایرانیان باستان است و احتمال دارد که عدد هفت در هفت سین نیز متأثر از آئین میترا باشد.

تیانا – تینا

اسمی از ایران باستان و به معنی چهار عنصر آب، خاک، باد و آتش است.

مشعل المپیک

بعد از هزاران سال هنوز هم شعله مشعل المپیک را مقدس شمرده و روشن نگه داشته و با انتقال آن به کشور محل برگزاری مسابقات شروع آن را اعلام می‌دارند. به لحاظ قدمت هفت هزار ساله آئین میترا و اینکه از مرزهای ایران فراتر رفت و سابقه مبادلات فرهنگی و حتی جنگهای متعدد ایران و یونان، احتمال اینکه مقدس دانستن نور که آتش عامل تولید نور است از آئین میترا باشد وجود دارد.

دستها رو به بالا در هنگام نیایش

پیروان میترا چون خورشید و ماه را سمبل نور برای افراد بشر می دانستند در هنگام دعا، دستهای خود را به طرف خورشید و ماه بالا می برند.

روشن کردن مشعل المپیک با نور خورشید

اکنون هم پس از هزارها سال مشعل المپیک از طریق یک گیرنده خورشیدی که نور را در کانون خود تمرکز داده و به محل مورد نظر می تاباند روشن می شود. نور یک پدیده خدایی است و نور خورشید نشانگر پاکی و کنایه از خداوند است پس عمل جذب حرارت و نور آن و تمرکز آن برای روشن کردن شعله آتش را هم در ارتباط با خداوند قرار می دهد.

در خرابات مغان نور خدا می بینیم

خرابات همان خرابه یعنی خانه خورشید است و لقبی است که به معابد میترائی داده می شود. مغان هم بزرگ مذهبی آئین نور است. این کنایه در اشعار شاعران ایرانی بسیار دیده شده است.

ناهید

ستاره آناهیتا فرشته نگهبان عنصر آب است که اسم کاملش اردوی سور آناهیتا به معنی رود قوی و پاک است. بیدخت نام دیگرش است که یونانی ها آرتمیس و رومی ها دیانا خوانده اند و ظاهراً بت عزیزی در عرب سمبل همین ستاره بوده است. دوشیزه ای بسیار زیبا و خوش قد و بالا است که حامی ازدواج و عشق پاک و بی

آلایش است. تن پوش زرین، کامل بدنش را می پوشاند و در دستش آویزه های گران بها و در گوشش گوشواره های زرین و بر گردنش سینه آویزی از گوهر است. در معابد آناهیتا که در ایران باستان مرسوم و زیاد بوده و در همدان، شوش و کنگاور بزرگترین آنها بوده، راهب ها بوده اند و این معابد محل تقوا و پرهیزگاری بوده بعد از مسیحیت، تمام معابد آناهیتا و میترا تبدیل به کلیسا شد که در قرن چهارم میلادی رخ داده، در برخی از شهرها به کلماتی که دختر هم دارد برمی خوریم مثل پل دختر، قلعه دختر و نامهای مشابه که احتمالاً بازمانده از دوره آناهیتا می باشد. دیگر اینکه در داستان موسی، مادرش او را در سبدي گذاشته و به آب می سپرد، یا عصایش را به سنگ می زند و دوازده چشمه آب درمی آید یا دریا را می شکافد تا قومش از میان دریا عبور کنند. نقش آب کاملاً آشکار است.

مار

در آئین میترا برخلاف بسیاری از کیش های دیگر، مار موجود اهریمنی نیست. پس از شام آخر میترا سوار بر گردونه ای است که (هرمس - مرکور) راهنما و راننده گردونه است و به علت بال هایی که بر سر دارد و چوبی از درخت غار که دو مار دور آن حلقه زده اند قابل تشخیص است. سوسن، سنبل، اسپرغم (ریحان) و نیلوفر هر کدام به نوعی با مار پیوند دارند پس در آئین میترا مار یکی از نشانه های اصلی است.

هرمس: عطارد: تیر

در آئین موسی، وی عصای خود را به زمین می‌افکند که تبدیل به مار شده و تمام دستاوردهای جادوگران را می‌بلعد.

در ایران باستان مار سپند روز نام فرشته موکل بر اوقات و زمان و خرد و گوش و چشم است. روز بیست و نهم هر ماه شمسی را مارسپند گویند و هرکس در این روز زاده شود شجاع باشد.

ماه

ماه نور ندارد بلکه نور خورشید را منعکس می‌کند و چون در شب تار در مقابل دیو ظلمت یگانه مشعل ایزدی است نزد ایرانیان باستان گرمی دانسته شده. ماه پاسدار چهارپایان است و حامل نژاد آنها، روز دوازدهم هر ماه خورشیدی بنام ماه نامگذاری شده.

هر ماه سه بار نیایش خاص ماه برگزار می‌شده است. هلال ماه از قدیم علامت ایرانیان بوده و می‌پنداشته‌اند که گردونه ماه را گاوی از نور می‌کشد و دو شاخ زرین و ده پای سیمین دارد. در ادبیات فارسی، ماه مظهر زیبایی و روشنی و بلندی طبع است.

برجیس (مشتري)

ستاره‌ای در آسمان ششم که سعد اکبر می‌دانند و یونانی‌ها آن را سمبل زئوس می‌دانند. روز پنج شنبه منسوب به این ستاره است. کوكب اشراف، علما، قضاوت، وزارت است چون تانی و ثبات و منزلت دارد. قاضی فلک گویند و مظهر علو طبع است.

مهر و عیسی

آورده‌اند وقتی عیسی به آسمان می‌رفت قرار بود هیچ از وابستگی‌های زمینی همراه نداشته باشد ولی برحسب غفلت، سوزنی همراه داشت که باعث شد تا آسمان چهارم که خانه خورشید است بالاتر نرود و هم خانه مهر گردید.

عشای ربانی – شام آخر

میترا در آخرین شب تمام دوازده برج فلکی را به شام دعوت می‌کند و به آنان شراب که نشانه خون گاو آفرینش است و نان که از گندم به عنوان اولین گیاه رسته بر روی زمین بعمل آمده به آنان تعارف می‌کند و سپس سوار بر گردونه خورشید، زمین را ترک می‌کند تا در آینده به خواست خداوند دوباره برگردد.

در زندگی حضرت عیسی، او در شب آخری که همان شب دستگیر می‌شود دوازده حواریون را به شام دعوت کرده و قدری شراب بعنوان خون خود و کمی نان بعنوان گوشت خود به آنان می‌دهد تا هرکدام از آنها در جای پیام آوران مسیح باشند.

اکنون مراسم شام آخر تحت اسم عشای ربانی توسط کلیساها برگزار می‌شود.

کلاغ

در آئین میترا یکی از هفت مرحله تکامل و نیل به مقامهای بالای روحانی است. پیام‌آور خداوند است که در یونانی، مرکور، همین وظیفه را دارد. در هنگام قربانی کردن گاو، کلاغ مبشر و منادی است. کلاغ نماد هوا نیز هست و براساس تصاویر مهری، خدمتکاری عالی مقام است. در داستانها کلاغ نماینده فرهنگ است ضمناً

مشاور و ناصح بوده و خبر از آینده می‌دهد. در نزد مردم امروز کلاغ و سیاهی سمبل کراهت است چون نشان از جدایی دارد.

مهر گیاه

گیاهی که مردم آن را باعث ایجاد محبت و علاقه بین افراد می‌دانستند. اصل این گیاه به شکل دو نفر زن و مرد است که دستها و پاهایشان به هم چسبیده و بطور برعکس در زمین باشد یعنی ریشه‌های گیاه موهای آن زن و مرد تفسیر شده است. از آنجا که مهر با عشق و دوستی همسان تعبیر گردیده احتمالاً در نام‌گذاری این گیاه در ایران بسیار مؤثر بوده است.

عدد پنج

ایرانیان در ابتدا معتقد به تاثیر پنج ستاره بر زندگی بشر بودند بنابراین عدد پنج را محترم می‌داشتند ولی بعد تعداد ستاره‌ها به هفت رسید البته در خارج کشور مثل یونان هم همینطور بوده و شاید پنج حلقه نشان المپیک از چنین اعتقادی آمده باشد.

قربانی بره

مریخ را نشانه جنگاوری و نگهبانی و حفاظت از میهن می‌دانستند و برایش بره قربانی می‌کرده‌اند.

نوش - نوشابه - نوشخواره

در آئین میترا نذری دادن رواج داشته که اگر مایع و آبکی بود به نوشابه و اگر خوردنی بود به نوشخواره معروف بود و اصولاً کلمه نوش را برای برکت دادن به کار می‌بردند.

هفت ستاره

توجه شود که هر هفت ستاره‌ای که ذکر می‌شود سیاره هستند و یک آسمان هم برای ثوابت فرض می‌کردند. ستارگانی که ایرانیان باستان در زندگی بشر مؤثر می‌دانستند عبارتند از:

- 1- خورشید (عربی آن شمس است) - در آسمان چهارم است.
 - 2- ماه (قمر) - در آسمان اول است - نشانه اقتصاد
 - 3- ناهید (زهره) - در آسمان سوم است - نشانه شعر، موسیقی و هنر
 - 4- تیر (عطارد) - در آسمان دوم است - دانشمندان - ارباب قلم
 - 5- برجیس (مشتري) - در آسمان ششم است - قضاوت
 - 6- بهرام (مریخ) - در آسمان پنجم است - جنگاوری
 - 7- کیوان (زحل) - در آسمان هفتم است - کشاورزی
- برجیس و ناهید را ستارگان طالع خوب و بهرام و کیوان را طالع بد می‌دانستند. ظاهراً در اول یعنی هزاران سال پیش پنج ستاره (خورشید، ماه، ناهید، بهرام و کیوان) را مؤثر در زندگی انسانها می‌دانستند و بعد تیر و برجیس اضافه شده‌اند.

وام بدون بهره - قرض الحسنه

در آئین میترا هرگاه که مشکلی عمومی مثل خشکسالی، سیل، بیماری مسری یا هجوم ملخ پیش می‌آمد معابد آنچه را مردم هدیه داده بود بفروش می‌رساند و بهای آنها را بین مردم بصورت وام بدون سود تقسیم می‌کردند تا از سختی زندگی مردم کم کنند. درواقع آنچه اکنون اوقاف نامیده می‌شود را فروخته و صرف زندگی مردم می‌کردند تا مشکل بگذرد و مردم قروض خود را پس دهند. این آئین در دوره قباد پدر انوشیروان عادل پادشاه ساسانی باعث شد وقتی خشکسالی باعث صدمه زیاد به مردم شده بود به دستور قباد، اموال معابد فروش رفته به عنوان وام بدون سود در اختیار مردم قرار گرفت و مردم سختی کمتری دیدند و پس از رفع خشکسالی به معابد پس دادند.

میترا نماینده اندیشه نیک، گفتار نیک، کردار نیک

پیکر مهر کلام ایزدی است. او دشمن دروغ است و از کلام راستین آگاه می‌باشد. میترا نماینده اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک است.

مهر نخستین ایزد سحرگاهی

میترا نخستین ایزدی است که پیش از خورشید فناپذیر، تیز اسب در بالای کوه هرا برآید و بسیار توانا تمام منزلگاههای آریایی را می‌نگرد. او زورمندی بی‌خواب است که به پاسبانی مردم می‌پردازد.

میترا ایسم و کلنگ زنی

در آئین میترا در اول فصل کشت، پیر مغان در محل یک مزرعه حاضر و اولین شخم را می‌زد تا نیروی ایزدی را وارد خاک کند و محصول خوبی بدست دهد. این عمل بعدها در عملیات ساختمانهای حکومتی با زدن اولین بیل توسط سلطان به جا ماند.

میترا و درخت کاری

ایرانیان معتقد بودند درخت روح و روان دارد. هرگاه نوزادی به دنیا می‌آمد یک درخت به نام او می‌کاشتند که معمولاً چنار، سرو، خرما، انار بود که البته یکی از اینها را می‌کاشتند و درخت مقدس تلقی می‌شد. هرگاه خطری متوجه آن بچه، حتی در بزرگسالی بود به نزد آن درخت رفته و چند ضربه می‌زدند و در واقع می‌خواستند این درخت که همزاد آن فرد محسوب می‌شد چشم زخم و حادثه بد را به خود بگیرد و خطر را از وجود آن شخص رد کند.

سلاح پهلوانان

در زورخانه‌ها که بازمانده‌ای از آئین میترا است هر پهلوان فقط یک دشنه همراه داشت که نمادی از خنجر میترا به هنگام کشتن گاو آفرینش است.

القاب پهلوانی

در زورخانه همانند هفت لقب پیروان روحانی میترا، هفت لقب، کهنه سوار، مرشد، پیش کسوت، صاحب زنگ، صاحب تاج، نوچه، پهلوان وجود دارد.

دوندگی

یکی از کارهای پهلوانان، دویدن در هر روز بود که نمادی از دوندگی میترا در جستجوی گاو آفرینش است.

چنار مقدس – تاک

این درخت عظیم‌ترین و پرمعمرترین درخت در فلات ایران است. شاخه‌هایش به هر سو گسترش می‌یابد و سایه‌ای بزرگ دارد. از دوردست دیده می‌شود. چنار هر ساله پوست می‌افکند و شاخه‌هایش رنگ سبز روشن به خود می‌گیرند. این جوان ماندن را مظهر برکت و نعمت بخشیدن ابدی خداوند و ارواح می‌دانستند. گیاه تاک (انگور) سمبل خون است و خون نیروی اصلی حیات محسوب می‌گردد. چنار مظهر پادشاه و تاک سمبل همسر پادشاه است که از طریق او خون سلطنت دوام می‌یابد.

بناهای یادبود مانند یادبود سرباز گمنام

در این بناها که معمولاً به معماری خاص ساخته می‌شوند همیشه یک آتش هم وجود دارد. این شعله که همیشه در آن مکانها روشن است ریشه در آئین ایرانی میترا دارد که نور نشانه‌ای از خداوند است.

یارانه – سوبسید

آئین میترائیسم در دوره هخامنشیان نیز رواج داشت. کورش کبیر دستور داده بود به تمامی مردم هر ماهه مبلغی کمک مالی شود ولی در جنگ کشته شد و اجرای

این دستور به دوران داریوش رسید و او این فرمان کورش را به عمل رساند. درواقع پرداخت نقدی به افراد در ایران سابقه دو هزار و پانصد ساله دارد.

برادری

در میان پیروان میترا، مقام اجتماعی یا ثروت ارزشی نداشت و همه با هم می‌نشستند و یکدیگر را برادر خطاب می‌کردند.

نقاشی روی دیوارهای معابد مهری

از هنر در معابد بسیار استفاده می‌شد و دیوارها را با نقوش میترا و گاو آفرینش و ستارگان نقاشی می‌کردند در زورخانه‌های امروزی که تصاویر جنگلهای پهلوانی شاهنامه را بر دیوارها تصویر می‌کنند الهامی از آن آئین است.

پهلوان

افراد در آئین میترا باید ورزش کنند و زمان آن از اولین اشعه‌های زرین خورشید صبحگاهی است. آنان که می‌خواستند به مقام پهلوانی برسند باید از نظر جسمی پاک و سحرخیز و پاک نظر و دارای اخلاق خوش می‌بودند. هرگاه بر حریف غلبه می‌کردند نباید او را خفیف می‌نمودند. کمک به نیازمندان در حد امکان و دور ماندن از اخلاق بد از صفات پهلوان بود.

درخت سرو سمنبل میترا – بز نم به تخته

ایرانیان باستان منعقد بودند که هنگام تولد نوزاد باید درختی برای او کاشته شود. درخت را دارای روح می‌دانستند و درخت کاشته شده برای و بنام نوزاد را همزاد او

می‌پنداشتند و هرگاه خطری کودک را تهدید می‌کرد نزد درخت می‌رفتند و چند ضربه زده و خواستار می‌شدند که سپر حادثه شود. دیگر اینکه برای هریک از هفت ستاره موثر در حیات انسان، درختی و گلی داشتند که درخت سرو و گل نیلوفر مربوط به ایزد بانو میترا است.

(چراغ) نور بر سر قبور رفتگان

هنوز هم در ایران بر سر قبور بخصوص در چند شب قبل از نوروز چراغ فانوس می‌گذارند. رفتن بر سر مزار رفتگان از سنتهای خوب ایرانیان باستان است.

حاجی فیروز

حاجی که لفظی ایرانی نیست ولی فیروز، عربی شده پیروز است. او خدای شهید شونده است و برخی او را خدای شهید شونده گیاهان می‌دانند که در پاییز و زمستان مرده است ولی در ابتدای بهار می‌آید تا خبر زندگی دوباره گیاهان را بدهد. در اسطوره‌های ایرانی او حاکم سرزمین مردگان است پس چهره‌اش سیاه است چون از مکان مردگان می‌آید و قرمز پوشیده چون مقام شهید را دارد و در آئین میترا شهید کسی است که برای پیروزی راستی و عدالت می‌جنگد. دایره (دایره) زنگی دارد چون خبر از آمدن ارواح مردگان می‌دهد و نوید آمدن سال نو (در ایران باستان معتقد بودند ارواح مردگان از غروب آخرین چهارشنبه سال به دیدن اقوام زنده خود می‌روند و تا غروب سیزده فروردین می‌مانند) را دارد.

قاشق زنی

در غروب آخرین چهارشنبه سال و هنگام تاریکی هوا، شخصی که پوشش چادر بطور کامل سر و صورت و بدن خود را پوشانده وقتی معلوم نیست زن است یا مرد در حالیکه کاسه‌ای در دست دارد در می‌زند و باید در را باز کرد و قدری شیرینی و سکه در کاسه او ریخت. در ایران باستان معتقد بودند ارواح در گذشتگان هنگام غروب چهارشنبه آخر سال برای دیدن اقوام و بازماندگان خود به سراغ آنان می‌روند و غروب سیزدهم فروردین به دنیای مردگان بازمی‌گردند. قاشق زنی یعنی قاشق را به کاسه خالی زدن، مفهوم فدیة و نذری دادن برای درگذشتگان را می‌دهد. این سنت نیز هزاران ساله است.

نام روزهای هفته

براساس اعتقاد به هفت ستاره خورشید (مهر)، ماه، بهرام، تیر، برجیس، ناهید، کیوان.

نام حیوانات بر دوره‌های دوازده ساله سنت ایرانی است

منجمین ایرانی به دوره‌های دوازده ساله قائل بودند و نام حیوانات به ترتیب موش، گاو، پلنگ، خرگوش، نهنگ، مار، اسب، گوسفند، بز، میمون، مرغ، سگ و خوک را قرار داده بودند که برای سادگی و حضور ذهن بوده، امروزه این نامها را به عنوان سنت چینی نامگذاری نجومی می‌دانند.

دروود میترائی – سلام میترائی

دروود کلام اصیل پارسی است که امروزه به سلام تبدیل شده. در آئین میترا دست چپ را بالا می‌آوردند به نشانه بالا رفتن خورشید و درحالیکه کف دست باز بود به نشانه خورشید و انگشتها، پرتوهای نور، رو به مخاطب مورد احترام می‌گرفتند. آلمان هیتلری این سلام آریایی میترائی را تقلید کرد.

آئین شمع روشن کردن

تعداد سه، چهار، پنج، هفت یا دوازده شمع روشن می‌کردند که اعداد مقدس بودند و روشن کردن مثلاً یک شمع معمول نبوده است.

میترائیسم و معماری

گنبد یکی از آشکارترین علائم معماری میترائی است که در بسیاری از ساختمانهای بزرگ مذهبی و سیاسی استفاده گردیده ولی یکی از دیگر نشانه‌های آن، پرتوهای نور از اطراف صورت میترا است که در مجسمه آزادی واقع در آمریکا هم استفاده شده است.

تزئین شب شب تولد میترا (شب یلدا)

ایرانیان شاخه‌ای از درخت سرو یا کاج را در منزل یا معبد میترائی آورده و آن را تزئین می‌کردند. این سنت در کنار استفاده از خشکبار و میوه‌های قرمز رنگ (رنگ محبوب میترا) مثل انار و هندوانه، زمینه ساز جشن تولد میترا بود.

زنگ – ناقوس

در تمام مراسم دعا و جشن آئین میترا از زنگ که به آن ناقوس هم گفته می‌شود استفاده می‌شده و درواقع این رسم از ایران به اروپا رفته است.

عمو نوروز – بابانوئل

میترا را بصورت بانو یا مرد تصویر کرده‌اند و برخی بدون جنسیت مطرح می‌کنند تا تبعیض و تفاوتی بین آنها نباشد. میترا در شب تولدش می‌آید و به هرکسی هدیه‌ای می‌دهد که در کشورمان تبدیل به عمو نوروز و در مسیحیت بابانوئل شده است. کلاه همان کلاه میترا و لباس قرمز نشانه شادمانی و بازگشت حیات و نو شدن است. لازم به توضیح می‌باشد که در قدیم حلول سال را در ابتدای زمستان می‌گرفته‌اند.

سقاخانه

سقاخانه و زورخانه‌ها نماد آئین میترا هستند. در ابتدای هر معبد میترائی یک حوضچه آب بوده است هرچند برخی سقاخانه را نماد آناهیتا می‌دانند که ایزد بانوی آب بوده.

مهرابه – مهراب – محراب

مهرابه محل پرستش خداوند بوده که برخی معتقدند محراب عربی هم از حرب بمعنی جنگ و خشونت می‌آید همان می‌باشد درحالیکه وقت پرستش ایزد توانا

کسی به فکر جنگ و عناد و اختلاف خونریزی نیست. در محل ستایش پروردگار فقط راز و نیاز و خلوص باید باشد.

زندگی و کار بزرگ

ایرانیان اهمیت زیادی به تولد و مرگ نمی‌داده‌اند بلکه به آنچه شخص در دوران زندگی انجام داده و بخصوص بزرگترین و با اهمیت ترین آنها می‌پرداخته‌اند که امروزه به آن جشن زندگی می‌گویند و در غرب بجای سوگواری برگزار می‌شود.

وکیل

در ایران باستان رسم بود که وقتی متهمی در حضور پیر مغان و مردم مورد محاکمه قرار می‌گرفت خودش یا کسی را معرفی میکرد که از وی دفاع کند. این روش که بعدها در دادگاههای رسمی جهان نیز ملاک عمل قرار گرفت ریشه آریائی و به احتمال زیاد برآمده از آئین میترا می‌باشد.

گنبد طلائی

گنبد به نشانه افلاک بوده است چون دنیا را به شکل تخم مرغ فرض می‌کردند. از بابت اینکه خداوند را نور می‌دانستند و آشکارترین نور برای بشر هم خورشید بوده است. طلا هم رنگ خورشید و نور خورشید است بنابراین روی گنبد را طلائی رنگ می‌کردند. از بابت اینکه رنگ خداوند است و معبد نیز برای پرستش پروردگار ساخته می‌شد. هرچند طلا فلزی است که بسیار سبک و در مقابل زنگ زدگی کاملاً مقاوم است ولی در ایران تشابه رنگ خورشید با طلا دلیل طلائی کردن گنبد بوده.

پیر مغان – پهلوان

در معابد میترائی ورزشهایی برای خدمتگذاران میترا بود در نتیجه کسانی که به مقام پیر مغان می‌رسیدند در ورزشهای پهلوانی به مقام عالی رسیده و خود پهلوان بودند. ای یاران (عیاران) نیز که ورزشهایی مانند ژیمناستیک فعلی را نیز ماهر بودند در واقع خدمتگزاران غیررسمی آئین میترا بودند و هنرهای رزمی خود را در معابد می‌آموختند و از آنها برای کمک به مردم استفاده می‌کردند.

مهره مهر (مهره مار)

در آئین میترا یک تصویر از الهه میترا یعنی بانویی که از سر و اطرافش نور به اطراف پراکنده می‌شود را در یک حلقه یا شکلی که سه ضلع در راست و چپ و پایین و یک نیم قوس در بالا و تندیس میترا در وسط قرار داشت می‌ساختند که به آن مهره مهر می‌گفتند و بصورت گردن‌بند استفاده می‌شده است. نمونه‌های این مهره در موزه‌های جهان هست. قرن‌ها بعد آن را به مهره مار تغییر دادند تا هویت ایرانی آن گم شود درحالی‌که مار اصلاً جزء بی‌مهرگان است و اینکه می‌گویند آن مهره هنگام جفت‌گیری از مار جدا می‌شود نیز صحت ندارد.

گود زورخانه

گود زورخانه به شکل دایره می‌باشد که تصویری از خورشید است. دایره بودن این امتیاز را می‌دهد که بالا و پایین ندارد و هرکس در هر جا قرار گیرد مانند دیگران است.

یک رو

افراد خالص و صمیمی را یکرو هم می‌گویند. این اصطلاح از خورشید می‌آید که همیشه یک رو برای مردم دارد و آن روشنی و نوررسانی به همه است و در واقع خورشید روی تیره و سیاه ندارد.

میترا ئیسم و هنر

در تمامی معابد میترا نقاشی‌هایی از کهکشان‌ها بر روی دیوار ترسیم شده و برجهای فلکی نیز تصویر گردیده نقاشی از هنرهای مورد تشویق در آئین میترا است.

مجسمه سازی

مجسمه میترا و گاو آفرینش در اندازه‌های مختلف در معابد میترائی وجود داشته و تعدادی از آنها همچنان در موزه‌ها دیده می‌شود.

تئاتر

در مراسم مذهبی افراد بنا بر جایگاه خود در آئین میترا حرکاتی به تقلید از کلاغ، شیر و حرکات خورشید و ماه انجام می‌دادند.

رقص

رقص یک حرکت مذهبی بوده و بال ماسکه که جشن ماسکها است از آئین میترا می‌آید.

موسیقی

گروه گر موسیقی از تشریفات مذهبی میترائیسم است. بدون شک در تمام مراسم مذهبی از موسیقی استفاده می‌شده.

نور اُمید

در آئین میترا خداوند از نور است و نور و روشنایی در مقابل ظلمت و تاریکی قرار می‌گیرد. کلماتی مانند نور امید، نور ایمان و اینگونه الفاظ اشاره به این دارند که هرچه خدایی است مثبت است و همه از نور می‌آید.

تدفین مردگان

مرده‌گان را به پهلوی می‌خوابانند بگونه‌ای که دستها، پاها را بغل کرده باشد و رو به طلوع خورشید یعنی مشرق قرار می‌دادند. ظروف سفالی و غذا در اطراف متوفی قرار می‌دادند و تعدادی سر نیزه برنزی رو به آسمان می‌گذاشتند تا مرده را از بلایای آسمانی محفوظ بدارد و متوفی در امان باشد. روی تمام ظروف سفالینه، نقش خورشید می‌کرده‌اند. قبرها دو طبقه بوده که هرکس با همسرش در هر زمان که فوت می‌کردند و به ترتیب فوت در پایین و بالا قرار می‌گرفتند. در بین ظروف سفالی، تنگ‌های دوقلو وجود داشته به اضافه قوری و کاسه و بشقاب که از هر کدام دو عدد گذاشته بودند تا زن و مرد هر کدام مستقل باشند.

دوستگامی - دوستگامی

در مراسم سوگواری یک جام بزرگ فلزی می گذاشتند و درون آن را پر از شراب می کردند پیاله از آن را افراد به یاد متوفی می نوشیدند و در واقع به شادی و کامرانی فرد از دست رفته در جهان دیگر می نوشید. اکنون درون آن را آب یا شربت می ریزند و در ختم اشخاص می گذارند البته بر قبر متوفی نیز یک جام شراب می ریختند.

آجیل شب یلدا

هفت مغز و برگه خشک شده میوه را که شیرین هم باشد مخلوط می کردند که عدد هفت برای تبرک و شیرینی نیز بمناسبت تولد میترا بوده است.

جام هفت خط

یک جام شراب که هفت خط با نامهای مختلف روی آن بود می آوردند و برای هرکس بنا بر شناخت یا به گمان تا خط معینی شراب ریخته و شخص باید آن را می نوشید. این سنت بعدها در دربار پادشاهان هخامنشی، اشکانی و ساسانی نیز رعایت می شد.

مرغ بخت

یک پایه اصلی آئین میترا بر ستاره شناسی است و شب یلدا هرکس باید دنبال ستاره خودش که ستاره بخت نامیده می شود به آسمان نگاه می کرد.

رنگ سرخ

رنگ سرخ را نشانه خورشید (مهر) می دانستند و این رنگ بسیار مورد احترام بود و آئین فرش قرمز یا انار و هندوانه شب یلدا که رنگ سرخ دارند از این ریشه می آید.

شب یلدا – شب چله

شب تولد میترا را یلدا و ضمناً شب چله می نامند که از تقسیمات قدیم برای تقسیم زمستان و سرما به چله کوچک، چله بزرگ و سرما پیرزن بود می آید و علت تقسیم به چهل نیز تقدس عدد چهل که عدد تکامل بود می آید مانند چله نشینی که از همین آئین می آید.

لباس مرد و زن در آئین میترا

در آئین میترا، غم از اهریمن می آید بنابراین افراد در هر زمان لباس روزگار خود را ولی با رنگها و طرحهای شادی آفرین می پوشیدند.

شنای بانوان

میترا الهه عشق و آناهیتا الهه آب و باروری است. بانوان و دختران از درگاه میترا طلب عشق کرده و در آب استخر، رودخانه یا دریا شنا می کردند و از آناهیتا خواهان باروری می شدند.

میترائیسم

1- اسطوره های ایرانی – وستا کریتس – ترجمه عباس مخبر – نشر مرکز

2- آئین مهرپرستی بُن مایه ادیان – عباسعلی پارسازاده – انتشارات آردن

- 3- هفت رمز نمادین فروهر - یسنای تبریزی - انتشارات زوّار
- 4- آئین‌های شگفت انگیز - ناهوکوتاواراتانی - انتشارات بهجت
- 5- فرهنگ اساطیر ایران باستان - محمد خرم - ناشر آبگین رایان
- 6- نشان رازآمیز - دکتر. ن. نجقورتاش - انتشارات آرتامیس
- 7- جستار درباره مهر و ناهید - محمد مقدم - انتشارات هیرمند
- 8- از اسطوره تا تاریخ - دکتر مهرداد بهار - نشر چشمه
- 9- میترا در هندوستان - هلموت هومباخ - رقیه بهزادی - ناشر پژوهنده

روحانیت میترائی و ورزش

وابستگان آئین میترا در محلهائی ورزش می‌کردند که زورخانه نامیده می‌شد و بعدها هم باقی ماند و امروزه ورزش باستانی ایران می‌گویند. امروزه در فیلم‌های خارجی، ورزش رزمی را از چین می‌دانند درحالیکه اصل از ایران بوده و تمام لوازم ورزشی زورخانه شامل میل و کباده و سایر ابزار همگی نشانگر تیر، کمان، سپر، گرز، دیگر وسایل جنگی است. ورزش رزمی چین که آن هم از روحانیون بودائی می‌آید و مخصوص آنها بوده در جایگاه خودش است ولی در آئین میترا، پیر مغان باید هندسه، ریاضی، نجوم، کیمیاگری و پهلوانی می‌دانسته.

نام ماه‌های ایرانی و مفاهیم آنها

توجه شود که عده‌ای ماه‌های عربی را ماه می‌نامند چون وابسته به گردش کره ماه است و ماه‌های ایرانی را بُرج می‌نامند چون در ارتباط با گردش کره زمین در شکلهای فلکی یعنی برج‌های فلکی است.

فروردین: انسان‌های پاک

اردیبهشت: بهترین راستی

خرداد: رسا و کامل

تیر: ایزد باران

مرداد: جاودانگی

شهریور: شهریارِ نیک

مهر: پیوند با مهربانان

آبان: آبها

آذر: آتش

دی: دانای آفریننده

بهمن: منش نیک

اسفند: آرامش

مهر مقدس

یاران میترا پس از گذراندن اولین مرحله در معبد و قبولی در آن، بر روی مچ دستشان مهر میترائی نقش می‌شد. برخی از افرادی که مرحله شیر را گذرانده بودند متقاضی مهر دیگری بر پیشانی خود می‌شدند که مظهر رعایت تمام قواعد میترائی بود. این رسم در ادیان دیگر هم وارد شد.

نان مقدس

در این آئین، اولین گیاهی که می‌روید تاک انگور و سپس گندم بود. در مراسم مذهبی نان به شکل صلیب به یاد چهار عنصر (آب، باد، خاک، آتش) پخته و بین مومنین تقسیم می‌شد.

هفت مرحله میترائی و هفت آسمان

هفت مرحله که عبارت است از: کلاغ، همسر، سرباز، شیر، پارسی، پیک خورشید، پیرمغان
در ارتباط با هفت ستاره زحل، خورشید، ماه، عطارد، مریخ، مشتری، ناهید می‌باشند.

قربانی

درواقع گاو که قربانی می‌شود خود را برای بشریت قربانی می‌کرد تا حیات بوجود آید.

مآخذ

- 1- آیین مهر، پژوهش و نوشته استاد هاشم رضی
- 2- اسرار میترا، آمده کاسکه ترجمه جلال ستاری
- 3- آیین میترا، مارتین ورمازرن، ترجمه‌ی بزرگ نادرزاد